

پيشينه کاربرد واژه های دانشگاه و پوهنتون در کشور

پيشگفتار

مدت زيادی می شود که گفتگو بر سر کاربرد واژه های دانشگاه و پوهنتون در کشور داغ بوده است. در اين بررسی فشرده بصورت مستند نشان داده می شود که واژه دانشگاه سال ها پيش از اختراع واژه پوهنتون و پس از آن مروج بوده است. دلچسب تر اينکه پيشينه کاربرد آن در کشور ما پيشتر از کاربرد آن در کشور ايران است.

اولين موسسه تحصيلات عالی در کشور

اولين موسسه تحصيلات عالی در کشور به نام «فاکولته طبي» با فرمان نادر شاه در اول عقرب ۱۳۱۱ ايجاد می شود (ص ۱۱۰ و ۱۲۱ سالنامه ۱۳۱۱). بعد، فاکولته حقوق و علوم سياسی در ۱۳۱۷، ساينس در ۱۳۲۱ و ادبيات (پشتو) در ۱۳۲۳ عملاً شروع می شوند. مفکوره ايجاد دانشگاه پس از ايجاد اين چهار فاکولته بوجود آمده و پوهنتون (دارالفنون) کابل با فرمان ظاهر شاه به تاريخ ۲۵ حمل ۱۳۲۵ افتتاح می شود (ص ۸۳ د کابل کالنی ۱۳۲۴/۲۵). طوريکه در سالنامه کابل (ص ۷۶ د کابل کالنی) ۱۳۲۴/۲۵ زير عنوان «تاسيس پوهنتون افغانستان» ديده می شود، واژه های پوهنتون، دارالفنون و يونيورسيتی در يك پراگراف به کار رفته اند:

تاسيس پوهنتون افغانستان

يکی از اقدامات مهم وزير کت وزارت معارف در سنه ۱۳۲۴ همانا تکميل ارکان و عناصر پوهنتون (دارالفنون) کابل بود. في الحقيقت فاکولته های چهارگانه طب، حقوق، ساينس ادبيات با تمامي موسسات ملحقه آن دارا لفنون کابل را تکميل نمودند. و در اثر آن فرمانی از حضور اعليحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه راجع به تاسيس پوهنتون کابل باضمائهم آن که محتوی بر مواد قانون تاسيس پوهنتون است بصدارت عظمی شرف صدور بخشيد. با اثر فرمان حضور ملوکانه فرمان نمبر ۲۷ بر ۶۳۵ مورخه ۲۲ حمل سنه ۱۳۲۵ راجع به تاسيس پوهنتون از مقام صدارت عظمی بو وزارت معارف توصل نمود و بروز ۲۵ حمل ساعت ۴ بعد از ظهر مراسم افتتاح رسمی پوهنتون يانويور سنه کابل در سالون فاکولته حقوق و علوم سياسی با تشریفات شانداري از طرف ولاحضرت وزير معارف معاون صدارت عظمی بعمل آمد. درين موقع تمام اراکين وزارت معارف، روسا و معلمين فاکولته ها و سائر منسوبين معارف و مطبوعات و جمعی از طلاب فاکولته ها حضور بهم رسانيده بودند. ابتدا مجلس باقر ائت چند آيه قرآن پاک که از طرف یکی از محصلين فاکولته وساينس تلاوت گردید افتتاح شد. متعاقب آن ولاحضرت وزير معارف بر منبر خطابه رفته نطق جامع و پر معنائی ایراد فرمودند که مفاد آن ذيلاً مندرج است:

فرمان تاسيس پوهنتون

نقل فرمان نمبر ۲۷ بر ۶۳۵ - ۲۲ حمل ۱۳۲۵ مقام منبع صدارت عظمی

ع.ج. والا حضرت سردار محمدنيم خان وزير معارف

فرمان نمبر ۶۰ بر ۲۹۳ تاريخ ۲۱ حمل ۱۳۲۵ حضور فرين الشرف اعليحضرت همايونی

صدارت عظمی شرف ورود بخشيده مراتب ذيل را حکم فرماست:

در صفحه ۸۲ همین سالنامه (د کابل کالنی ۱۳۲۴/۲۵) گفته می شود که واژه های پوهنتون و پوهنزی به عوض دارالفنون و فاکولته در یکی از مجالس وزارت معارف به تصویب رسیده است:

حضار محترم! بعد از تکمیل و تهیه عناصر تر لیمی دارالفنون کابل صدارت عظمی بشف صدور فرمان از حضور اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه محبوب مانایل گردید و به وزارت معارف اطلاع داده بنده افتخار دارم تا از قرائت آن همه شما رامستفید گردانم ناگفته نماند که راجع به کلمه دارالفنون وفا کولته و باقی مصطلحات متعلق به آنها اخیراً در وزارت معارف مجلسی منعقد و کلمات (پوهنتون) و (پوهنخی) و غیره تصویب گردید که بنده بسبب سیر تاریخی واقعات در جملات ماقبل آنها را استعمال نه نمودم البته حضار محترم من بعد مصطلحات را که در فرمان تاسیس (پوهنتون) تذکار گردیده مورد استعمال قرار خواهند داد.

اصولنامه ۱۶ ماده ای دانشگاه نیز در ص ۸۴ این سالنامه داده شده و داکتر مجید به حیث «کفیل ریاست پوهنتون» مقرر می شود (ص ۸۷). در این اصولنامه سه رتبه «استاد، مدرس و معاون» (پروفیسور، اسوشیتید پروفیسور و اسیستانت) به حیث درجه های علمی استادان پذیرفته شده و مدت خدمت روسای پوهنزی ها و پوهنتون سه سال می باشد (ص ۸۵):

مواد اصولنامه پوهنتون (دارالفنون)

- ماده اول - ارا ده مینما تیم مو سه بنا م پوهنتون برای تعلیم در جات عالیة علوم و فنون و ادبیات و فلسفه در کابل تاسیس نمائیم.
- ماده دوم - پوهنتون دارای شعب ذیل است که هر یک از آنها موسوم به پوهنخی خواهد بود.
 - ۱ - علوم
 - ۲ - ادبیات و فلسفه
 - ۳ - طب و شعب و فروع آن
- ۲ - حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، دارالمعلمینهای عالی و مدارس صنایع مستظرفه و دارالعلوم عربیه ممکن است از موسسات پوهنتون محسوب شوند و نیز ممکن است مدارس و مؤسسات مسلکی دیگری عندالافتضا به پوهنتون منضم گردد.
- ماده سوم - رئیس پوهنتون در آغاز افتتاح بر حسب پیشنهاد وزیر معارف بموجب فرمان ما تعیین و بعد بر طبق ماده یازده بر حسب پیشنهاد شورای پوهنتون و موافقت وزیر معارف بموجب فرمان ما منصوب خواهد شد اداره پوهنتون بعد از رئیس پوهنتون است و روسای پوهنخی، استادان، مدرسین پوهنخی بر حسب پیشنهاد رئیس پوهنتون و منظوری وزیر معارف مطابق قانون مامورین منصوب میشوند. سایر مامورین و مستخدمین بر طبق مقررات این قانون از طرف رئیس پوهنتون منظور و مقرر میگرددند.
- بصره اول - مدت خدمت رئیس پوهنتون و روسای پوهنخی سه سال است بعد از انقضای این مدت ممکن است مجدداً انتخاب شوند.

ماده نهم - معلمین پوهنتون به طبقات سه گانه ذیل تقسیم میشوند:

- ۱ - استاد - ۲ - مدرس - ۳ - معاون - علاوه برداشتن شرایط مقررۀ قانون مأمورین استاد باید کمتر از سی سال و مدرس کمتر از بیست پنج سال عمر نداشته باشند و در رشته که تدریس مینمایند درجه علمی آنها را شورای عالی پوهنتون لاقلاً دکتوری یا معادل آن تشخیص بدهد .
- سوم معاون که باید لاقلاً دارای شرایط معلمین دوره ثانوی یعنی (جواز) باشد و بر طبق مقررات مربوطه به معملی استخدام خواهند شد سایر مأمورین از قبیل نگران لابراتورها و آتولیا و اعضای کتابخانه و امثال آن و اعضای دفتر تابع مقررات قوانین عمومی خواهند بود .

حکم حضور - قانون تاسیس پوهنتون را که شامل شانزده ماده و ضمیمۀ فرمان نمبر ۶۰ ر ۲۹۲ تا ریخی ۲۱ حمل سنه ۱۳۲۵ می باشد منظور فرمودیم مطابق آن تعبیل گردد (امضای اعلیحضرت همایونی المتوکل علی الله)

بعد از ورود قانون تاسیس پوهنتون ذریعۀ این فرمان والا حضرت وزیر معارف مطابق مادۀ سوم آن تقدیر همکاران ما پروفیسر پوهنچی علوم دا کتر عبدالعجید خان را بحضور اعلیحضرت همایونی برای کفالت ریاست پوهنتون پیشنهاد کردند و احکام اعلیحضرت همایونی ذریعۀ فرمان صدارت بوزارت معارف ارسال گردید . اینک بناغلی دا کتر را بحیث کفیل ریاست پوهنتون معرفی و فرمان تقرر شان را قرأت میمائیم .

نقل فرمان ۱۸۸ پر ۱۶۰ - ۲۴ حمل ۱۳۲۵ صدارت عظمی :

ع، ج، والا حضرت سردار محمد نعیم خان وزیر معارف :

نظر بفرمان نمبر ۲۲۶ ر ۲۲۱ از ۱۳۲۵ حضور قرین الشرف ملو کانه در اثربلیاقت و اہلبتیگہ از سداقتماب دا کتر عبدالعجید خان متخصص با کتریولوژی و معلم پوهنچی علوم مشاهده شده مشارالہہ در اثر پیشنهاد جلالتماب شما بحیث کفیل ریاست پوهنتون مقرر و منظور شده جلالتمابی دا کتر موصوف را کفیل ریاست پوهنتون شناخته ادارۀ امور علمی و اداری فبا کواتہ ہا و مکاتب مسلکی مربوطہ آبرا با و تفویض دارند .



بناغلی د کور عبدالعجید خان کفیل ریاست دارالفنون (پوهنتون)

قانون جدید تحصیلات عالی (ص ۱۹۷ سالنامه ۱۳۳۶/۳۷) در سال ۱۳۳۶، شش رتبه علمی را برای استادان دانشگاه های کشور تصویب می کند (پروفسور - پوهاند و پوهنوال؛ اسوشیتید پروفسور - پوهندوی و پوهنمل؛ اسیستانت - پوهنیار و پوهیالی):

نظر به قلت معاش هیئت تدریسی ریاست پوهنتون حسب دلخواه نمی توانست اشخاص با کفایت و لائق را در پوهنتون جلب نماید. برای این منظور کمیسیون های ترتیب و رتبه های علمی پوهنتون تثبیت گردید سپس لایحه ساخته شد و منظوری آن از مقامات عالی گرفته شد. بعد از آن رتبه های علمی اعضای تدریسی هر پوهنغی توسط یک کمیسیون مرکب از نماینده هر پوهنغی در تحت ریاست بناغلی داکتر عبد الحکیم ضیائی تثبیت گردید. رتبه علمی در پوهنتون شش بوده و معاش آن از هم فرق دارد. این شش رتبه علمی عبارتند از:

- | | |
|------------|------------|
| ۱- پوهاند | ۴- پوهنمل |
| ۲- پوهنوال | ۵- پوهنیار |
| ۳- پوهندوی | ۶- پوهیالی |

در همین سال اعضای پشتو تولنه نیز از امتیازات مشابه برخوردار می شوند (ص ۱۸۴ سالنامه ۱۳۳۶/۳۷):

پښتو ټولنه

در سال ۱۳۳۶ بالا تر لایحه جد. اگانه بعد تصویب مجلس وزرا و منظوری ذات شاهانه انجمن پښتو (پښتو ټولنه) بحیث یک اکادمی صاحب امتیازات ششگانه ذیل گردید:

- (۱) خپرونکی
- (۲) خپرنیار
- (۳) خپرنمل
- (۴) خپرنوال
- (۵) خپرندوی
- (۶) خپرنیال

از بررسی سطحی ۲۰ سالنامه کابل (۱۳۱۱ - ۱۳۳۰) و یک جریده آریانا صرف به چهار مورد کاربرد واژه دانشگاه پیش و پس از اختراع واژه پوهنتون اکتفا می شود. مورد اول، کاربرد واژه دانشگاه در گزارش وزارت معارف در اوایل سال ۱۳۱۳ است (ص ۹۳ سالنامه ۱۳۱۳) که پیشتر از ایجاد رسمی دانشگاه تهران (۱۵ دلو ۱۳۱۳) است (۱):

وزارت معارف دوم قدمی که بنا بر تقاضای محیط علماء سنجید اصلاح دارالعلوم بود ازینرو مجلس بزرگی تشکیل داده در اطراف پروگرام دارالعلوم عربی یعنی دانشگاه های دینی و ادبی مشغول شد. چونکه علمای دین و فضلی ادب نصاب دارالعلوم ها را مطابق مفاد دینی و علمی خواستند تغییر بدهند این مجلس بگفته دوام داشت پروگرام با ثروت و واحدی ترتیب داده استقبال مفید و متینی بروی اهل دین و ادب مملکت باز گردید و در همه دارالعلوم هائیکه در مرکز، سمت مشرق و غیره جاری بود یا در عرض سال افتتاح شده بود مرکزیت و وحدت بخشید.

سوم قدمی که وزارت بسال ۱۳۱۳ در اصلاح معارف برداشت راجع به تشکیلات ابتدائی، رشدی و اعدادی بود. درین باب بدو منبع مراجعت کرد؛ اولاً به علماء و فضلائیکه در خود وطن تربیت و تعلیم عالی حاصل کرده بودند و ثانیاً فضلائیکه در خارج مراتب تعلیم متوسط و عالی خود را طی کرده سرمایه بزرگی را دارا گردیده بودند.

مورد دوم، کاربرد واژه «دانشگاه کابل» در مقاله امین الله زمیالی در ص ۲۴۷ «د کابل کالنی» ۱۳۲۰ است:

روزی در ضمن مباحثات پروفیسر حقی نزیهی بیک استاد دانشگاه علوم حقوق و سیاسی کابل مرا باین نکته ملتفت نمود که علامه قدامت زبانهای قدیم کلمات ابتدایسا کن است خصوصاً کلماتیکه حاوی یکی از حروف (L=ل M=م R=ر) باشد اکثرأ ابتدایه ساکن می آیند یعنی حرف اول ساکن و بی حرکت میباشد و چون ادای حروف ابتدایه ساکن سخت و مشکل است لهذا در شعبات زبان مذکور که بمرور زمان از آن زبان مشتق شده اند حرف ابتدایسا کن انداخته شده یا دارای

۲۴۷

مورد سوم، کاربرد واژه دانشگاه (پس از اختراع واژه پوهنتون) توسط جناب حبیبی «مورخ نامدار» کشور در شماره اول مجله آریانا در سال ۱۳۳۰ است:

| | | |
|--------------|--------|-------------------|
| اول حمل ۱۳۳۰ | آریانا | شماره سوم سال نهم |
|--------------|--------|-------------------|

کتاب جدید

(۱) گنجگاو یهای علمی و ادبی

کشف سند جدید درباره اخلاف خواجه انصاری هروی

دانشگاه تهران در سلسله انتشارات خود پیش از تحت لیل [۸۳] کتابی را بنام « گنجگاو یهای علمی و ادبی » نشر کرده و در مقدمه آن از طرف ریاست دانشگاه مزده داده شده که احیاء آبه طبع و شرحچین کتب مفید که حاوی تحقیقات علمی و ادبی استادان دانشگاه باشد در آینه بزا اقدام خواهند کرد .

درین روزها کتاب اول این سلسله انتشارات از طرف دانشگاه موسوف بمن رسید و با کمال ولع و دلچسپی بمطالعه آن پرداختم . دارای مقالات دقیق استادان دانشگاه است که بر موضوعهای مختلف تحقیقات عمیقی نموده اند . درین کتاب مقاله مفصلی بقلم دانشمند معروف معاصر آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه بعنوان خاندان سعدالدین حموی موجود است که دران

من از دو ستم آقای فاضل گویا اعتمادی منت دارم که نسخه این کتاب مفید را برای خواندن بمن داد که درین سطور آنرا به خوانندگان افغانی و ذوقندان تاریخ و ادب معرفی کردم . والسلام .

شهر نو کابل ۱۳ دلو ۱۳۲۹ عبد الحمی حبیبی

مورد چهارم کار برد واژه دانشگاه (پس از اختراع واژه پوهنتون) در مورد تقرر دكتور جاويد (ص ۱۹۸) و مقاله او (ص ۳۰۸) در سالنامه ۱۳۳۰/۳۱ است:

فاکولته ادبیات

۱- مقرری های جدید :
 بناغلی عبدالاحمد خان جاوید دیپلوم حقوق و ادبیات دانشگاه طهران که در سال ۱۳۳۰ - وایس بسکابل عودت نمودند بتاريخ ۲۴ سنبله ۱۳۳۰ هجری سال بحیث استاد متون فارسی و کتب کلاسیک فارسی این پوهنچی مقرر شدند .

شاهنامه‌ها و شاهنامه در قیام بلخی

بناغلی احمد جاوید (مفارع التصنیف د کراتی ادبیات
 ولی-انصره حقوق و علوم سیاسی از دانشگاه تهران ۱۳۳۰)

درین مقاله موضوع بحث شاهنامه در قیام بلخی است و برای ورود به مطلب در شرح در احوال این شاعر ارجحند مختصر شرحی از کیفیت نگارش و تاریخ شاهنامه داده شده است . اگر عقاید مختلف و تعبیر های گوناگون دانشمندان این فن را ذکر میگردیم سخن بدارازا میکشید . ناگزیر سعی شده است تا عمده ترین تحقیقات خاور شناسان و نمای معاصر را در دسترس خوانندگان گرامی بسکداریم البته در بعض موارد از اظهار نظر شخصی هم خود داری نشده است . چون مطالب این مقاله بسیار فشرده است برای تصدیق و تتبع بیشتر مراجع و ماخذ مفصلی در پایان آن داده ایم .

بناغلی احمد جاوید

اگر مطبوعات کشور بصورت وسیع مورد بررسی قرار گیرد، شاید دهها مورد کار برد آن را پیش و پس از اختراع واژه پوهنتون داشته باشیم. اما طوریکه این سند سفارت امریکا در کابل نشان می دهد (۱۳ جولای ۱۹۶۳)، با کاربرد این واژه پس از سال های ۱۳۴۰ مخالفت جدی آغاز می شود (۲):

علامه دیگر اینکه، باساس چشمدید تقریبا دوهفته قبل کارمند گزارشگر، یونیورسیتی کابل شاید اولین موسسه ای باشد که پشتونیزه شود. موصوف برای مدتی تقریبا دوسال (در تمام ملاقاتها)، کلمه فارسی "دانشگاه" را برای یونیورسیتی بکار میبرد و تا بهنگام بازدید آخرایشان، این اصطلاح مورد مناقشه و جدل (چالش) قرار نداشت. اما (در این ملاقات) مقامات یونیورسیتی بطور مودبانه، ولی محکم، تذکر دادند که نام رسمی افغانی برای یونیورسیتی، "پوهنتون"، یک کلمه پشتو، میباشد. قرار معلوم این اصطلاح برای چندین سال وجود داشت اما مهم اینست که افغانها، بشمول مردمان یونیورسیتی، فقط در این اواخر، موقف علنی در مقابل اصطلاح فارسی آن اتخاذ نموده اند. تصادفا، مقامات یونیورسیتی از کاربرد چند واژه دیگر پشتو نیز یاد نمودند که بعضی دو یا سه واژه فارسی پیشکش شده است (4).

این مخالفت به خصوص پس از «دری» سازی زبان پارسی در قانون اساسی ۱۳۴۳ شدت اختیار نموده و از کاربرد آن در مطبوعات و رسانه ها قاطعانه جلوگیری می گردد (۳) که در حقیقت نشان دهنده عملی سازی فرمان پیشین ظاهر شاه در عقرب ۱۳۱۵ (ص ۲۰۶ سالنامه ۱۳۱۵) مبنی بر «پشتو - سازی» سراسری کشور است (۴).

نتیجه گیری

طوریکه در فرمان ایجاد «پوهنتون افغانستان» در حمل ۱۳۲۵ دیده می شود، واژه های دارالفنون و یونیورسیتی نیز در کنار واژه پوهنتون به کار رفته، اما از واژه دانشگاه چشم پوشی شده است. درحالیکه واژه دانشگاه سال ها پیش از اختراع واژه پوهنتون (و پس از آن) در مطبوعات کشور مروج بوده و یکجا با واژه های یونیورسیتی، دارالفنون و دارالعلوم کاربرد داشته است. همین بررسی کوتاه، پیشینه کاربرد آن را (اوایل سال ۱۳۱۳) به ۱۲ سال پیش از اختراع رسمی واژه پوهنتون و پیشتر از ایجاد رسمی دانشگاه تهران (۱۵ دلو ۱۳۱۳) می رساند. شاید بررسی های بیشتر، دهها مورد کاربرد آن را در ادوار پیشتر نشان دهد (۵، ۶ و ۷). اما با تشدید پروسه های پشتو - سازی، افغان - سازی، تاریخ سازی و اسطوره - سازی در کشور از کاربرد آن در سال های بعدی (پس از ۱۳۴۰) جلوگیری می شود.

۱. تاریخچه دانشگاه تهران؛

<http://ut.ac.ir/fa/page/200/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DA%86%D9%87>

۲. علایمی مبنی بر تاکیدات بیشتر بالای زبان پشتو از طرف حکومت افغانستان. سفارت کابل. جولای ۱۹۶۳؛

<http://www.ariananet.com/modules.php?name=Artikel&file=print&sid=9596%20http://www.goftaman.com/daten/fa/articles/part10/a>

۳. موضوع: "فارسی- دری" منحیث زبان رسمی. سفارت کابل. ۲۳ می ۱۹۶۴؛

<http://www.ariananet.com/modules.php?name=Artikel&file=print&sid=9575>

۴. سواد فرمان ظاهرشاه (ص ۲۰۶ سالنامه کابل ۱۳۱۵)؛

سواد فرمان ذات شاهانه

«ج،ع،ح،۱۰۱، نشان عم محترم سردار شاه ولی خان غازی وکیل صدراعظم ا
«مسلم است مسئله زبان در وحدت ملی و حفظ آداب و شعایر ملت ارات
معتنایی داشته و توجه باین موضوع از جمله ضروریات حیاتیة يك مملکت بشمار میرود .
چون در مملکت عزیز ما از طرفی زبان فارسی مورد احتیاج بوده و از جانب
دیگر بعلت اینکه قسمت بزرگ ملت ما به لسان افغانی متکلم و مامورین هلی الا کثر
بسبب ندانستن زبان پشتو دچار مشکلات میشوند ، لهذا برای رفع این
قیصه و تسهیل معاملات رسمی و اداری اراده فرموده ایم همچنانکه زبان فارسی
در داخل افغانستان زبان تدریس و کتابت است در ترویج و احیای لسان افغانی
هم سعی بعمل آمده از همه اول مامورین دولت این زبان ملی را بیاموزند و
آنها در محاوره و کتابت شامل کنند . شما بوزارات و نواب الحکومتی ها
و حکام اعلی و قو ماندانیت های عسکری و تمام دوا بر رسمی امر بدهید که مامورین
کشوری و لشکری مربوط خود را مکلف نمایند که تا مدت سه سال لسان
افغانی را آموخته در محاوره و کتابت مورد استفاده قرار دهند تا خدا بخواهد
عموم مامورین افغانستان بزبان افغانی هم تکلم و کتابت توانسته در امور
مملکتی تسهیل و برای آنها بر عایا ازین جهت تکلیفی عاید نباشد .
(محل امضای اعلیحضرت همایونی)

۵. برگه فیسبوک فهیم رسا. ۲۷ اپریل ۲۰۱۶:

<https://www.facebook.com/fahim.rasa/posts/1263315347014644>

۶. سایت آرمان ملی. با این تصمیم مجلس جاسوسان پاکستان خجالت بکشند؛

<http://armanemili.com/detail.php?pid=9104>

۷. برگه فیسبوک داکتر مهدی. ۳۰ جون ۲۰۱۶:

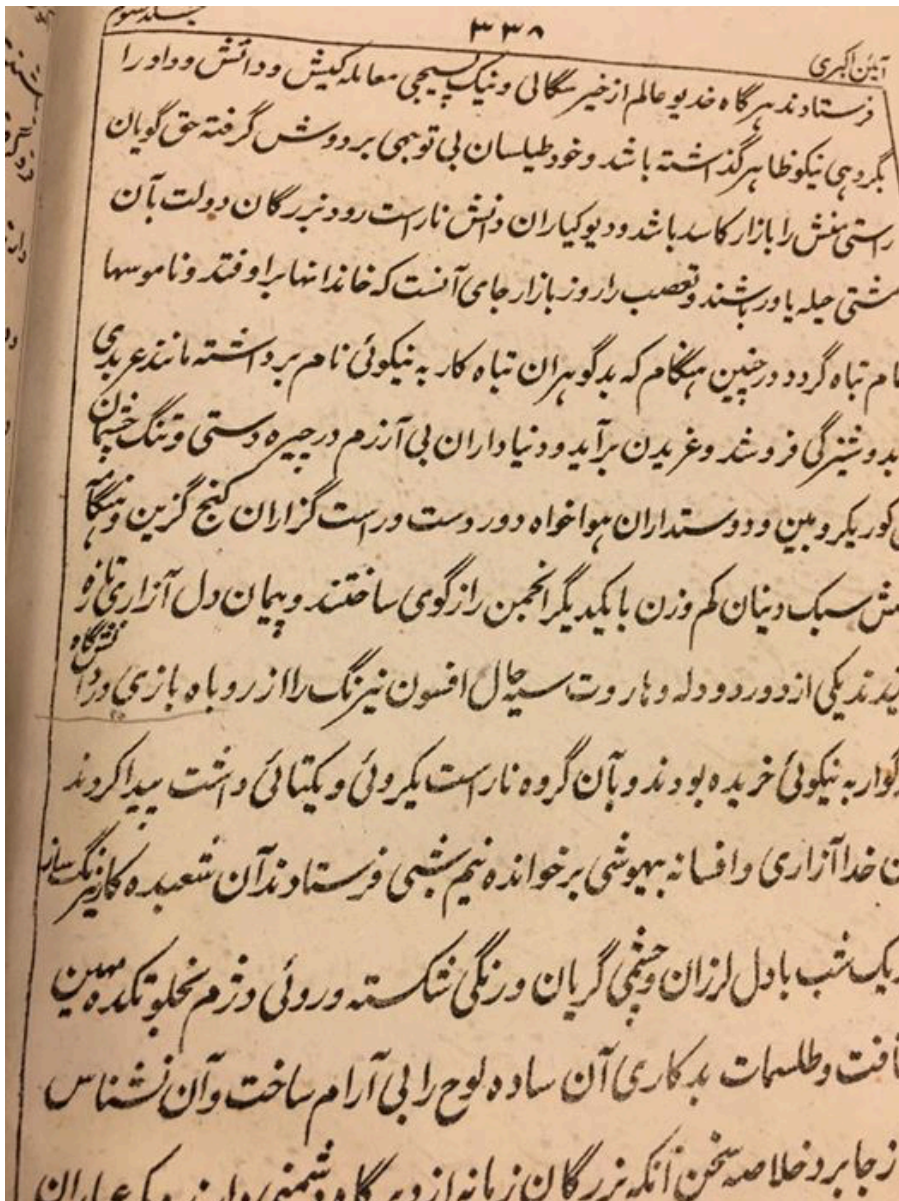
<https://www.facebook.com/m.mehdi2012/posts/10206352497320462>



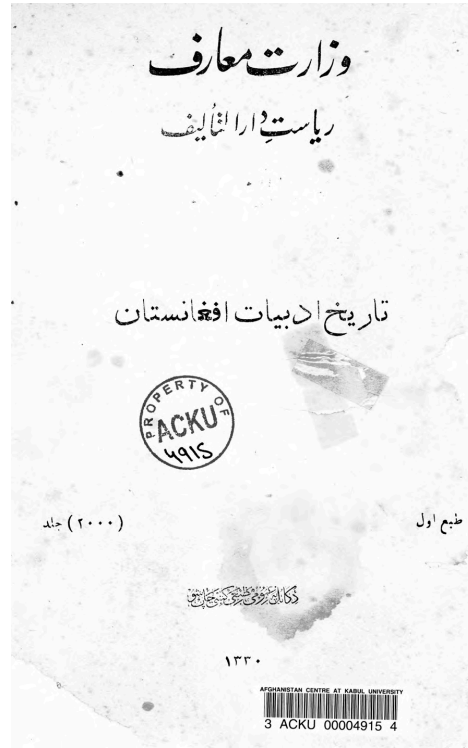
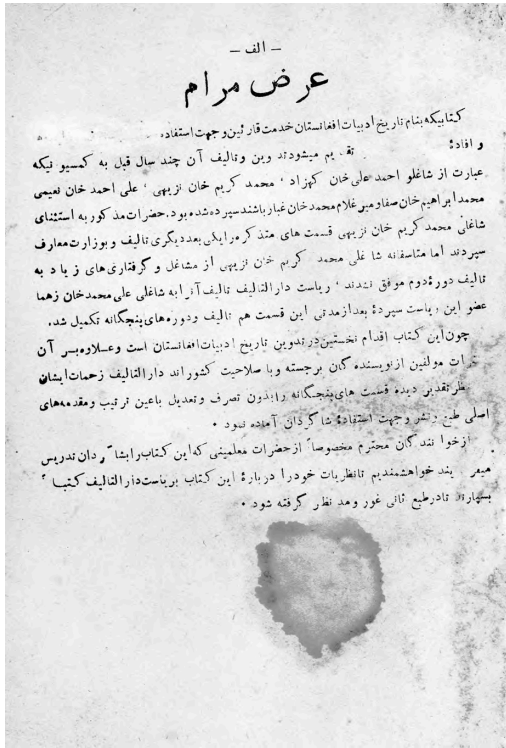
Mohaiuddin Mahdi

30 June 2016 · ۰

به آنانی که زبان و ادب فارسی را ارج می گذارند!
در پیشینه ی کاربرد ترکیب «دانشگاه»:
علامی در نگویش از رقیبا که - به گفته ی خودش- از
«ارباب عمایم» بودند، و در سگالش از یکی از شاگردان پدرش که فریب آنان را خورده بود می نویسد: «
مُبک دینان کم وزن با یکدیگر انجمن رازگویی ساختند و پیمان دل آزاری تازه گردانیدند. یکی از نُو رُو و
ذَلَه و هاروت سیه حال افسون نیرنگ را، از روباه بازی در دانش گاه پدر بزرگوار به نیکویی خریده بودند
و به آن گروه نارسا یکرویی و یکتایی داشت، پیدا کردند و افسون خدا آزاری و افسانه ی بی هوشی بر
خوانده نیم شبی فرستادند» [آیین اکبری، ج ۳، ص ۳۳۸].



یاد داشت: یکتعداد جراید و آثاری که از دوره امان الله و اوایل نادرشاه - ظاهرشاه در تارنما ها اپلود شده، بعضی اوراق مهم آن ها کهنه و بعضی جا ها پاک شده است. چنین به نظر می رسد که دستگاه سانسور دولتی متوجه این مسایل بوده و تا حد امکان تلاش کرده اند که جعل کاری های خویش را پنهان سازد. به گونه مثال، در کتاب «تاریخ ادبیات افغانستان» که سال نشر آن ۱۳۳۰ است، چنین دست خوردگی در «عرض مرام» دیده می شود:



صفحه «عرض مرام» در بعضی چاپ ها وجود ندارد (جلد آبی) و یا آن را اینگونه تغییر داده اند:

عرض مرام

کتابی که بنام (تاریخ ادبیات افغانستان) خدمت قارئین و جهت استفاده متعلمین و معلمین تکمیل میشود، تدوین و تألیف آن چند سال قبل (۱۳۲۲) به آقایان احمد علی کهزاد، محمد کریم نژیبی، علی احمد نجیمی، محمد ابراهیم خان صفا و میر غلام محمد بخارا سپرده شده بود. حضرات محترم به استثنای آقای محترم کریم نژیبی قسمت های متذکره را یکی بعد دیگری تألیف نمودند. آقای محمد کریم نژیبی نسبت گرفتاری ها نتوانست قسمت مربوطه خویش را تمام کند و بنابراین ریاست دارالتألیف آن قسمت را به آقای محترم علی محمد زهما سپرد. بعد از مدتی این قسمت هم تألیف و قسمت های پنجگانه تکمیل گردید.

این کتاب اقدام نخستین در تدوین تاریخ ادبیات افغانستان است. مولفین این کتاب از نویسندگان برجسته و با صلاحیت کشور اند. دارالتألیف قسمت های پنجگانه را بدون تصرف و تحویل با عین شکل برای نشر و جهت استفاده شاگردان آماده نمود.

مدون و نویسندگان محترم مخصوصاً از حضرات معلمین که این کتاب را تدریس مینمایند، خواهمند اند تا نظرات خود را در باره کتاب به ریاست دارالتألیف بیاورند تا در طبع کتاب غور و مد نظر گرفته شود.

ریاست دارالتألیف

وزارت معارف

1329

